

۱- خداوند باید در زندگی انسان مقصد خود را داشته باشد.

خداوند - عذاب مقصد زندگی باشد.

در یافت فیض وجود
در یافت رحمت
در یافت صفا
کم - عذاب مقصد زندگی

(رجا)

و ب - خداوند (وجود)
نوع وجود است
زند خدا / خداوند

۲- آرسی ضداونہ فتود، غراب فواہ است۔

چون خالی بودن از رگ = غراب

جای خالی رگ

۳- راه ضداونہ تہن تَعَوَا / اطاعت از رسولان

اپان

رسول داسع او امر الہی

انخانی در تمام شہر، اتقان در اندک انقطاع از رسول است
توصیہ علی / توصیہ عینی / داسع رسول الحق و توبہ

۴- استعمار به معنای دعا برآ دریا نیست - حاصل به نام مغزت
که همانا خاص را بر آن نعطای کند، از ارکان بیام و سایر
است. که عمران و عمران نوابسته به آن است.

باز به سن سفید

این استعمار رسول به آن جاری می شود.
صلوات

در آیه ۱۴ بعد

دلایل رجاء خداوند صورت حاصل بیان را نمود :

* ① در هر طوری خود خدا صانع است . خداوند همچو گیاه از خاک ^{تعبیر}

حاصله از کرامت

زندگی در همه ابعاد

را هیچ موجودی دست نکرده و
صلاق بودن خودش را داند از نردبان

در هر گه ای از هستی هویت خودش در هر گه ای بردار است

در هر گه ای صیانت آن با اراده خدا یقین کند

ان ن باید دیدند و ن پذیرند و چون ن پذیرند انوار حلق نترن
خود را ن پذیرند و بر آ خدا و قاری تا ن نترن:

ظرف آسازها که هفتاد و سه مورد است با هم منطبق بر هم
از روی نترن، به طور طبیعی و قاری تا ن نترن.

این نترن
لیفیت فلن — دتر، اظلق (مرفیت) + غرض
صلی

هر کسی در طول میانی نیکی کارها بر این مهم تره

فکار سید ارت

تندین نه

این همه ما ختمی آنگاه

بسیار باجه بر اضا دند مهم بوده

دستی است همان نه ها باجه بر ابلیس هم است

↑ زرد (پول) (از دو ۴) زرد صد ↑

x مهم ترین نکته های سه برافرا دارند هم است و ارزش
آن ها در سبب زندگی و ادبیات آن عامل
است در فارسی نثر فاخر است این است

ضلعہ احوار

① سبح سادات طباق

دے مکر و نور

دے اسیں سر

② سادات ←

اصل سادات
سبب سادات



احمدیہ اخراج

منزل

نچو رہی از دل صانت در سین و اتصال
برائے اسان

③



مَنْعَة

عَدَد

تَفْصِيل

خَوَاصِّ

عَدَد

عَدَد

عَدَد

عَدَد

عَدَد

عَدَد